یادداشت

## دولت جدید و معضل کولبری

ادامه از صفحه اول

۳- دولت جدید در حال تدارک است تا کار خود را شروع کند. دولت جدید با سیاهه پایان‌ناپذیری از مسائل و مشکلات پیچیده سیاسی، بین‌المللی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، قرار است کار خود را آغاز کند. پدیده غیرانسانی کولبری که موجب خدشه‌دارشدن شأن، حیثیت و کرامت انسانی گروهی از هموطنان در غرب کشور شده، یکی از مسائل حساس و جدی است که به فوریت باید برای آن تدابیری اندیشید. نباید بیش از این اجازه داد جان گروهی از هموطنان بر اثر فعالیت در کار کولبری با مخاطرات سهمگین روبه‌رو شود. نباید بیش از این چشم‌ها را بر جان‌باختن کاسبکاران مرزنشین بست و از کنار غم و حرمان و رنج خانواده‌های دغدار آنان گذر کرد. کولبری کرامت انسانی گروه قابل توجهی از هموطنان را نشانه رفته است. در شرایطی هزاران نفر از مرزنشینان اعم از پیر و جوان و نوجوان و مرد و زن و تحصیل‌کرده و کم‌سواد در روستاها و شهرهای منطقه از بد روزگار به کولبری روی آورده‌اند که مخاطرات جانی این حرفه هر آن ممکن است فاجعه‌ای بیافریند و جانی را بستاند. برای این پدیده باید به سرعت تدابیری اندیشید. دولت جدید از همین روزهای آغازین شروع‌به‌کار با تشکیل یک کمیته تخصصی در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید برای کولبری تدابیری بیندیشد. تدوین برنامه‌های توسعه استان‌های مرزی برمبنای آمایش سرزمین ضرورتی فوری است تا هم مشکلات این استان‌ها کم شود و هم برای رفع بی‌کاری راه‌حلی پایدار و هم برای کولبری تدابیری ساختاری اندیشیده شود. کولبران رنج‌دیده را دریابیم.

## یک ترور و چند سؤال از نهادهای امنیتی

ادامه از صفحه اول

در اقدامات سازمان‌یافته به دلیل هم‌رسانی اطلاعات در میان عوامل، اتکا به ابزارهای پیشرفته که نیازمند ورود آن به کشور یا تأمین قطعات آن برای تولید است و موارد مشابه، عوامل دستگاه‌های اطلاعاتی و همچنین گزارش‌های مردمی امکان شناسایی شبکه خرابکاری را افزایش می‌دهد؛ اما از طرف دیگر در اقدامات انفرادی معمولا نیت افراد تا پس از اقدام برای هیچ‌کس فاش نمی‌شود و سوءقصد با امکانات موجود عامل اجرا می‌شود.

با تمام دشواری‌های مربوط به شناسایی اقدامات انفرادی، اما اکثر کشورها حتی در شناسایی این سوءقصدها نیز موفق هستند و حتی در مواردی که دستگاه‌های امنیتی در آن شکست می‌خورند، پیش‌زمینه‌های مرتبط با آن رویداد شناسایی شده بودند و دستگاه‌های امنیتی در تحلیل با شکست مواجه می‌شوند یا سهل‌انگاری در بررسی زنجیره رخدادهای شناسایی‌شده عامل اصلی معرفی می‌شود.

نکته قابل تأمل آنکه ترور اسماعیل هنیه یک عملیات سازمان‌یافته بود که در آن به احتمال زیاد چندین عامل دخالت داشته‌اند. علاوه‌براین، به صورت مشخص درز اطلاعات آن‌چنان قوی بوده که محل دقیق اسکان برای عوامل ترور مشخص بوده است. نحوه اجرای ترور در اطلاعیه شماره سه سپاه پاسداران و توضیح عضو کمیسیون امنیت ملی نیز نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی دقیقی درباره روش ترور در خاک ایران انجام شده است که تمام اینها باید در تور اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گرفت.

اگرچه باید مد نظر داشت که در طبقه‌بندی رویدادهای سازمان‌یافته تفاوت فاحشی میان رویدادهای دولتی و غیردولتی وجود دارد. گروه‌های تروریستی معمولا در جذب نیروهای خود از افرادی استفاده می‌کنند که این افراد نزد نهادهای اطلاعاتی شناسنامه‌دار هستند و از این جهت معمولا قبل از هر اتفاقی این رویدادها خنثی می‌شوند؛ اما در رویدادهای دولتی افراد جذب‌شده ماهیتی بسیار متفاوت دارند. به عبارت دیگر، سوابق رویدادهای تروریستی در ایران بیش از آنکه نشان از شکست اطلاعاتی باشد، حاکی از ناکامی دستگاه‌های ضدجاسوسی و ضداطلاعات است.

- چرا دستگاه‌های امنیتی در طول سالیان گذشته نتوانسته‌اند شبکه نفوذ موساد را متلاشی کنند؟

در این مورد دو سؤال قابل بررسی است: ابتدا آنکه منشأ نفوذ موساد در سیستم امنیتی ایران چیست؟ ترور شهید فخری‌زاده، ترور قاسم سلیمانی و ترور دانشمندان هسته‌ای در اوایل دهه ۹۰، همگی با اتکا به اطلاعات دقیق گروه‌های ترور از موقعیت اهداف، استعداد محافظان سوژه و... بوده است.

آن‌چنان‌که درباره ترور هنیه نیز توسط مقامات حماس و اطلاعیه سپاه بیان شده، یک موشک دقیقا به اتاق محل اقامت او اصابت کرده که نشان از اطلاع دقیق گروه ترور از محل اقامت سوژه بوده است. نکته قابل تأمل آن است که سوژه‌های مورد بحث در غالب موارد جزء کسانی بوده‌اند که امکان کسب اطلاع عمومی در مورد آنها وجود نداشته و اطلاعات با احتمال زیاد توسط نیروهای معتمد (میزبان یا میهمان) درز کرده است.

شاید بتوان یکی از اصلی‌ترین دلایل شکست ضداطلاعات ایران در برابر موساد را نقطه تمرکز دستگاه‌های اطلاعاتی دانست. فرض دکترین امنیتی ایران بر این اصل تمرکز یافته که محل رخنه دشمن، مخالفان سیاسی ایران است؛ اما دو استدلال در رد این ادعا می‌توان مطرح کرد: ابتدا آنکه تسلط اطلاعاتی بر مخالفان سیاسی در ایران موجب کاهش صدمات ناشی از درز اطلاعات نشده است و دوم، مخالفان سیاسی با توجه به وضعیت خود اساسا داشته‌های مناسبی برای دستگاه‌های جاسوسی به حساب نمی‌آیند.

سؤال دوم درباره پدافند غیرعامل است. مواجهه با دستگاه‌های دولتی نشان‌دهنده ضعف شدید حفظ اطلاعات در بدنه بوروکراسی به صورت عمومی است. درز قابل توجه نامه‌های محرمانه، نظام فشل تولید و حفظ اطلاعات اداری، نبود آموزش‌های لازم درباره مواجهه با اطلاعات اداری و... به‌وضوح در نظام اداری کشور قابل مشاهده است.

علاوه‌برآن، درباره ترور اخیر، چه فرض را بر درز موقعیت هدف ترور از طریق وسایل الکترونیک بگذاریم و چه از طریق عامل انسانی، در صورت اجرای پروتکل‌های مرتبط با اختلال در جی‌پی‌اس امکان موفقیت این عملیات به طور محسوسی کاهش پیدا می‌کرد؛ چراکه براساس قرائن، پرتابه مورد استفاده برای چنین دقتی باید مجهز به جی‌پی‌اس می‌بود. سؤال آن است که دستگاه‌های امنیتی در حوزه پدافند غیرعامل به‌ویژه مرتبط با اطلاعات نظام اداری و امنیتی چه اقداماتی انجام داده‌اند؟

- چرا نهادهای مسئول در برابر چنین مواردی پاسخ‌گو نیستند؟

چیتل، رئیس سرویس مخفی آمریکا پس از سوءقصد به دونالد ترامپ مجبور به استعفا از سمت خود شد. در طول سالیان گذشته حوادث فاحش امنیتی رخ داده است که شامل اقدامات تروریستی در مجلس شورای اسلامی، شاه‌چراغ شیراز، یادبود شهادت قاسم سلیمانی در کرمان، ترور شهید فخری‌زاده و اکنون ترور اسماعیل هنیه می‌شود.

در طول این سال‌ها تقریبا هیچ نوع پاسخ‌گویی از طرف دستگاه‌های مسئول در برابر این رخدادها وجود نداشته است. علاوه‌براین، پس از هر نوع شکست اطلاعاتی در سایر کشورها مقامات مسئول در برابر مجالس خود حاضر می‌شوند و دلایل منتهی به شکست در رویدادهای امنیتی را تشریح می‌کنند. چنین اقداماتی هیچ نوع سابقه تاریخی در کشور ما ندارد.

در واقع پس از هر نوع رویداد امنیتی که شهروندان ایرانی در بهت فرو می‌روند، مجموعه‌ای از اطلاعات اشتباه و اخبار غلط در فضای مجازی منتشر می‌شود. هیچ‌گاه نحوه شکل‌گیری رویداد یا اقدامات اصلاحی جبرانی برای جلوگیری از رویدادهای مشابه تشریح نمی‌شود و هیچ مسئولی پاسخ‌گوی حوادث رخ‌داده نیست. در چنین شرایطی تا چه میزان می‌توان امکان بهبود شرایط را متصور بود؟

نگاهی به گیشه تابستانه سینمای ایران

# لذت تماشای فیلم در سالن سینما

**شرق:** در میانه تابستان که برخی ترجیح می‌دهند روزهای طولانی و داغش را در سالن‌های سینما سپری کنند، سرگرم شوند و از فیلم‌های روز لذت ببرند، باعث شده تا تابستان گیشه سینمای ایران روزهای بهتری را سپری کند؛ هرچند که به اعتقاد بسیاری از اهالی سینما همچنان تا نقطه مطلوب فاصله است. اما عوض‌شدن فیلم‌های روی پرده و دیدن فیلم‌های جدیدتر این نوید را می‌دهد که اگر تنوع در چیدمان آثار رعایت شود، می‌توان همه سلایق را از سینما راضی نگه داشت. از ابتدای سال تابه‌امروز فروش سینمای ایران رقمی حدود ۷۰۰ میلیارد تومان را نشان می‌دهد. این اتفاق خوبی است؛ درحالی‌که همچنان نیم دیگری از سال با فیلم‌های متعددی که در صف اکران هستند، باقی مانده است.

«پول و پارتی» به کارگردانی سعید سهیلی جدیدترین فیلمی است که به چرخه اکران سینماها اضافه شده است. «در دنیایی که همه به دنبال ثروت و مادیات هستند، قصه عشق دو جوان شکل می‌گیرد. داستانی که در آن، تضاد بین ثروت و عشق به تصویر کشیده شده است». این خلاصه‌ای از داستانی است که سهیلی روایت کرده است. «پول و پارتی» با نگاهی طنزآمیز به مسائل اجتماعی روز، به نقد برخی از ارزش‌های مادی‌گرایانه جامعه می‌پردازد. ساعد سهیلی، پردیس احمدیه، امیر جعفری، مهدی هاشمی، نیوشا ضیغمی، آزاده زارعی، داریوش فرهنگ، امیرحسین ساربان، شادی آهنگر، محمدمتین محمدی و آریا نرج‌آبادی، بازیگران اصلی این فیلم سینمایی هستند. شاید خیلی دور از ذهن نیست که این فیلم در مدت کوتاهی از نمایش در سینماها به رقمی حدود ۱۳ میلیارد تومان رسیده است. تابه‌امروز اکثر مخاطبان سینما نشان داده‌اند که از فیلم‌های سرگرم‌کننده‌ای که با لحن کمدی به سراغ موضوعات روز جامعه می‌رود، استقبال می‌کنند. هرچند که باید این را هم در نظر داشت که بسیاری از ساخته‌های سینمایی سعید سهیلی با استقبال خوبی در سینما روبه‌رو شده است.

ساخت سه‌گانه «گشت ارشاد» از جمله فیلم‌هایی است که در هر بار اکرانش مخاطبان بسیاری را راهی سالن‌های سینما کرده است. با اینکه او سال‌هاست از ساخت فیلم‌های اجتماعی فاصله گرفته، اما همچنان «مردی شبیه باران» از ساخته‌های تحسین‌شده او است و ظاهرا سهیلی ترجیح می‌دهد در آثار سینمایی‌اش همچنان بیشتر به فکر سرگرمی مخاطبش با لحنی طنز باشد و نقدهای اجتماعی‌اش را با همین رویکرد مطرح کند.

با اینکه این روزها تنوع بهتری از فیلم‌ها را در اکران شاهد هستیم، اما همچنان فیلم‌های کمدی مخاطب بیشتری در سالن‌های سینما دارند. مسعود اطیابی پس از تجربه دو فصل از «تکزاس» که به فروش خوبی در گیشه رسید، این بار هم با ساخت «تکزاس ۳» این موفقیت را تجربه می‌کند. اطیابی، زوج پژمان جمشیدی و سام درخشانی را در سه فصل کنار یکدیگر قرار داده است که از این میان کمدی پرفروش دیگری را رقم بزند و تابه‌امروز این نتیجه حاصل شده است. این فیلم در فهرست پرفروش‌های سینمای ایران در سال جاری جای گرفته است.

بی‌تردید تابه‌اینجا ساخت نسخه جدید از فصل‌های موفقیت‌آمیز یک فیلم، برای بسیاری از کارگردانان سینما وسوسه‌انگیز بوده است؛ همچنان که در کنار بسیاری از فیلم‌های کمدی، عددهایی جا خوش کرده است. تجربه‌های پیشین نشان داده است که در برخی مواقع بسیاری از کارگردان‌های ما نتوانسته‌اند موفقیت فیلم‌های پرفروش و موفقیت‌آمیز گذشته‌شان را تکرار کنند. اما استثناهایی هم وجود دارد که همچنان نام فیلمی پرفروش در گذشته ضامن فروش دوباره آن در فصل‌های بعدی بوده است. «خجالت نکش ۲» به کارگردانی رضا مقصودی نیز در زمره همین فیلم‌ها دسته‌بندی می‌شود. شبنم مقدمی و احمد مهرانفر، دو بازیگر اصلی این فیلم سینمایی، ترکیب درخشانی را در فصل اول به نمایش گذاشتند و این فیلم مورد توجه مخاطبانش قرار گرفت. فروش «خجالت نکش ۲» که آن را در زمره فیلم‌های پرمخاطب سینماها نشان می‌دهد، ظاهرا مخاطبانش را راضی کرده است. نباید از حضور مهران مدیری در سینما غافل شد. مدیری نام و چهره‌ای شناخته‌شده و محبوب میان مخاطبان تلویزیون و سینما است. کارگردانی که بیشتر به‌واسطه ساخت آثار کمدی میان مخاطبانش شهره است و با همین ژانر محبوبیتی چندین‌ساله دارد. اما او هم بدش نمی‌آید هرازگاهی به دیگر گونه‌های سینمایی سر بزند و فیلم‌های متنوع‌تری بسازد. همچنان که «ساعت ۶ صبح» با دیگر ساخته‌های او متفاوت است.

مهران مدیری یک بار دیگر در ساخت «ساعت ۵ عصر» نشان داد که به تغییر ژانر علاقه‌مند است. تغییری که اساسا برای مدیری و مخاطبانش، یک چالش جدید محسوب می‌شود. کمدی-اجتماعی تلخ «ساعت ۵ عصر» فیلم موفقی در گیشه نبود و باید منتظر ماند و دید «ساعت ۶ صبح» در اکران به موفقیت خواهد رسید یا خیر.

«یادگار جنوب» که اکران خود را از ۲۰ تیرماه آغاز کرده است، با اختلاف اندکی از «ساعت ۶ صبح» در جایگاه پنجم جدول فروش هفتگی قرار گرفته است. «یادگار جنوب» بعد از فیلم «جاندار» دومین تجربه کارگردانی حسین دوماری و پدرام پورامیری است. این دو کارگردان با همان فیلم اول ثابت کردند در زمینه ساخت تریلرهای اجتماعی تسلط کافی دارند. وحید رهبانی، الناز شاکردوست، پژمان جمشیدی، مسعود کرامتی، ساناز سعیدی و با حضور سحر دولتشاهی و صابر ابر، بازیگران فیلم سینمایی «یادگار جنوب» هستند. این فیلم بعد از مدت‌ها بودن در صف اکران بالاخره نمایش داده شد و گریم بسیار متفاوت صابر ابر بسیاری از مخاطبان فیلم را غافلگیر خواهد کرد.

نمی‌توان از اکران‌های تازه سینماها نوشت و از اولین تجربه کارگردانی حمیدرضا آذرنگ، بازیگر و کارگردان خوب این سال‌ها یاد نکرد. «روزی روزگاری آبادان» ساخته حمیدرضا آذرنگ، بعد از مدت‌ها روی پرده سینماها است.

خانواده‌ای پنج‌نفری مصیّب چرخیده در آخرین روز سال مشغول خرید شب عید هستند، اما به دلیل حال بد مصیب که ناشی از گرفتاری‌اش به مواد مخدر است، کشمکشی میان آنها درمی‌گیرد و در اوج تلاش خیری، مادر خانواده برای به آرامش رساندن خانواده ناگهان اتفاقی غیرمنتظره همه آنها را غافلگیر می‌کند. این فیلم در جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر جایزه بهترین طراحی صحنه را به خود اختصاص داد و در شش رشته نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد.

آذرنگ در نشست خبری این فیلم سینمایی درباره چرایی ساخت آن گفت: «روز اول آغاز جنگ آمریکا و عراق موشکی به اشتباه به یکی از انبارهای آبادان خورده بود. من در آن مقطع در مواجهه با آن خبر فقط خیال‌پردازی کردم که اگر با این مجموعه تصاویر روبه‌رو می‌شدیم، چه می‌کردیم».

او درباره اینکه چرا نمایش‌نامه ۱۵ سال پیش خود را تبدیل به فیلم سینمایی کرده است، تأکید کرد: «در سالن‌های مهجور تئاتر در ایران فقط ۳۰ روز یک تئاتر روی صحنه می‌ماند و حداکثر چهار هزار نفر می‌توانند حرف تو را بشنوند. بچه‌های تئاتر دوست دارند حرف‌شان را با تعداد بیشتری به اشتراک بگذارند. از طرف دیگر قصه جنگ قصه کهنه‌ای نیست. روزبه‌روز چهره نکبت‌بار آن را می‌بینیم و احساس می‌کردم میرایی ندارد و با توجه به زیاده‌خواهی‌های انسان که مدام به جنگ منتج می‌شود، ترجیح دادم بسازم. من تا قبل از این، کارگردانی تئاتر زیاد انجام داده بودم و مشکلات کارگردانی را می‌دانستم. در مدیوم دیگری می‌دانستم کارگردانی کار سختی است اما هرگز نمی‌دانستم این‌قدر رنج، سختی و سخت‌کوشی را توأمان با هم می‌خواهد و مدیریت کلان می‌خواست. در مقام کارگردان، مجموعه‌ای تخصصی دورت هست که باید به لحاظ روحی و کاری با آنها کنار بیایید. با علم به اینکه می‌دانستم کار سختی است، الان بیشتر می‌دانم سخت‌تر است که بدنم می‌لرزد به کار بعدی فکر کنم. هنوز ریکاوری می‌شوم، امیدوارم لیاقت این را داشته باشم که ادامه مسیر بدهم».

«مصائب شیرین۲» به کارگردانی علیرضا داوودنژاد از دیگر آثاری است که به‌تازگی به اکران سینماها رسیده است. فیلمی که در گیشه به انتظاری که از فروش آن می‌رفت، نرسیده است. علیرضا داوودنژاد در این‌باره در یادداشتی به ایرنا پاسخ داد: «برای وضعیت غیرعادی فروش فیلم «مصائب شیرین۲» باید عرض کنم که متأسفانه تهران زندگی نمی‌کنم و مستقیما خبر از وضعیت سالن‌های نمایش ندارم، اما با توجه به اینکه بسیاری فیلم‌های بدون ستاره و معمولی هم از روز اول نمایش دچار چنین انزوایی نمی‌شوند، جای سؤال دارد که چرا «مصائب شیرین۲» با وجود رضا و ترلان پروانه و با توجه به فضایی که بعد از فقدان رضا ایجاد شده بود، از روز اول، با این برخورد غیرعادی مواجه شد؟ البته نمی‌دانم در شرایط حاضر سینما که مدتی است از آن دورم، اگر فیلمی در تلویزیون معرفی و تبلیغ نشود و از تبلیغات محیط شهری هم محروم باشد و ضمنا طبق رسم رایج این روزها، در کانال ماهواره‌ای هم تبلیغاتی نداشته باشد و در اینستاگرام و شبکه‌های مجازی هم حضور چشمگیری از آن دیده نشود، به چه سرنوشتی دچار خواهد شد؟ نمی‌دانم این بی‌اعتنایی‌ها و نادیده‌گرفتن احترام رضا که در شش‌سالگی با فیلم بی‌پناه اشک ملت را سرازیر کرد و در ۱۷سالگی با «مصائب شیرین۱» موجب قهقهه و شادی آنها شد و به عنوان بازیگر نقش اول مرد، نامزد سیمرغ بلورین جشنواره فجر شد و بعدها با اصغر فرهادی و پشت کنکوری‌ها در دل جوانان و خانواده‌ها جا باز کرد و سال‌ها در سریال‌های تلویزیونی به اوقات فراغت ملت خوشحالی و شادمانی هدیه کرد را چگونه باید بفهمم و توجیه کنم؟ آیا تعمدی در کار است؟ آیا رأفت فیلم نسبت به هم‌وطنان مهاجر و دعوت ضمنی از آنها برای بازگشت به وطن، فیلم را مغضوب و مهجور کرده است یا آنچه درحال وقوع است، چیزی نیست جز اثبات پیش‌فرض «نفروش»بودن فیلم که اگر موفقیتی حاصل می‌شد، آن «پیش‌فرض» اولیه و همچنین سال‌ها بایگانی‌شدن فیلم را زیر سؤال می‌برد؟ سرجمع مسئولان و دوستان و عوامل ذی‌ربط همه دست به دست هم دادند تا تدفینی دوباره برای رضای عزیز من برگزار کنند. دست‌مریزاد؛ متشکر و ممنون». «روایت ناتمام سیما» به کارگردانی علیرضا صمدی نیز که از ۱۳ تیرماه اکران شده است، در هفته‌های نخست نمایش با فروش نسبتا خوبی روبه‌رو شده است.

# سر تعظیم فرود آوریم به مقام والای یک بشردوست

فرزانه‌متین

فیلم یک زندگی (One Life) محصول ۲۰۲۳ و ساخته انگلیس براساس یک داستان واقعی در مورد فعالیت‌های بشردوستانه نیکولاس وینتون است. منبع اقتباس این فیلم، کتاب «اگر غیرممکن نیست؛ زندگی نیکولاس وینتون» به قلم باربارا وینتون است. فیلم به کارگردانی لوسیندا کاکسون و نویسندگی جیمز هاوس است. در این اثر بازیگرانی همچون آنتونی هاپکینز، لنا اولین، جانی فلین و هلیا بونهام کارتر به ایفای نقش پرداخته‌اند.

فیلم به حال‌وهوای قبل از شروع جنگ جهانی دوم می‌پردازد. کشورهای اروپایی در تب‌وتاب تصمیمات هولناک هیتلر به سر می‌برند، اما هیچ‌کدام قدمی برنمی‌دارند تا اینکه جنگی شعله‌ور، جهان را دربر می‌گیرد.

داستان در سال ۱۹۸۷ اتفاق می‌افتد. نیکولاس (با بازی آنتونی هاپکینز) و همسرش زندگی آرامی دارند و در این حین ناگهان فلش‌بک‌هایی به گذشته نیکی زده می‌شود. در دسامبر ۱۹۳۸ که نیکی در کمیته بررسی امور پناهندگان کار می‌کند، از پراگ بازدید می‌کند و با خانواده‌هایی آشنا می‌شود که بعد از ظهور نازی‌ها، از آلمان و اتریش به چکسلواکی فرار کرده‌اند و در شرایط اسفباری در معرض تهدید و حمله نازی‌ها زندگی می‌کنند.

فیلم «یک زندگی» قرار نیست به آثار جنگ، شخصیت هیتلر و موضع‌گیری جبهه متفقین بپردازد، بلکه فقط روی شخصیت نیکولاس و وقایعی که بر سر او گذشت می‌پردازد و در اینجا سینما با زبان قصه‌گوی خود یک موضوع انسانی و تاریخی را نشان می‌دهد. نیکی دست‌تنها و به کمک مادرش در لندن تصمیم می‌گیرند تا کودکان را از چکسلواکی راهی لندن کنند. او ۶۶۹ کودک را نجات می‌دهد و به لندن می‌برد و به خانواده‌هایی که می‌خواهند سرپرستی آنها را قبول کنند، تحویل می‌دهد. اما حسرتی که همیشه بر دل نیکی از جوانی تا سالخوردگی باقی می‌ماند، نرسیدن قطار نهم است که حاوی ۲۵۰ کودک بود. در واقع در روزی که باید ۲۵۰ کودک با قطار نهم راهی لندن می‌شدند، به دلیل حمله آلمان به لهستان و اعلان جنگ به جهانیان متوقف می‌شود. نیکی سالخورده که همه اسناد، مدارک و عکس‌های کودکان نجات‌یافته را در آلبومی جمع‌آوری کرده و درصدد بود که برای عبرت به کتابخانه و موزه‌ای اهدا کند، ناگهان سر از رسانه تصویری درمی‌آورد.

این کارگردان فیلم‌اولی به‌خوبی می‌دانست چه زمانی فلش‌بک‌ها را وارد داستان اصلی کند و اینکه او قمار اصلی فیلمش را بر روی آنتونی هاپکینز قرار داد. بازیگری هاپکینز دیگر نیازی به معرفی ندارد. او که نقش سالخوردگی نیکولاس را بازی می‌کند، با بازی درخشانش، به فیلم حال‌وهوای تازه‌ای می‌بخشد. نوع نگاه و چشمانش برگ برنده این اثر است؛ او با نگاهش بیننده را مسحور می‌کند. هاپکینز هنرپیشه‌ای است که از یک کاراکتر خبیث تا کاراکتری همچون نیکی، در دل مخاطبان جا باز کرده است. اگر فیلم، شخص آنتونی هاپکینز را در اختیار نداشت، به‌شدت افت می‌کرد و تبدیل به یک گزارش‌نویسی ساده با اسپانسری شبکه بی‌بی‌سی می‌شد. این فیلم که به مقام والای انسانیت می‌پردازد، مسلما اگر یک فیلم‌ساز خوب و کاربلد آن را هدایت می‌کرد تبدیل به یک اثر خاص می‌شد. در این فیلم بشردوست، نواقص زیادی به چشم می‌خورد؛ تا جایی که از نگاه مخاطبان دور نمی‌ماند.کارگردان چندان جسارتی نداشت که تلخی زندگی پس از جنگ و آشوب و عصیان خونین‌ترین نبرد قرن بیستم را نشان دهد و به قولی، خودش را وارد حاشیه امن کرد. کاراکتر جوانی نیکولاس برخلاف سالخوردگی آن، قابل لمس نیست و بازی تصنعی دارد. دیالوگ‌ها جاندار و قوی نیست و شاید بتوان گفت کلیشه‌ای است. بحث بر سر تعداد زیادی کودک است، اما نیکی جوان نتواسته آن‌طورکه شایسته است، با صلابت برخورد کند؛ حتی زمانی که با مسئول مذهبی یهودی صحبت می‌کند، نمی‌تواند دفاعیه محکمی از انتقال کودکان بیان کند. اما با تمامی این ضعف‌ها، فیلم توانست این موضوع انسانی در دل تاریخ نه‌چندان دور را بیان کند و سکانس‌های تأثیرگذار و عمیق آن بیشتر از صحنه‌های کم‌عمقش است. البته باید گفت شعاری‌نبودن فیلم از برگ‌های برنده آن محسوب می‌شود. موسیقی در خدمت فیلم است و نقطه اوج داستان در قسمت‌های پایانی فیلم صورت می‌گیرد؛ در استودیویی که نجات‌یافتگان با منجی‌شان آشنا می‌شوند.

فیلم «یک زندگی» ادای بزرگداشتی برای نیکولاس وینتون در ستایش فعالیت‌های بشردوستانه و مقام انسانیت است.

اخبار برگزیده

## اخراج بنیان‌گذار ارکستر مونته‌وردی در پی حمله به یک خواننده

**فرید پریش:** به دنبال حمله فیزیکی به یکی از خوانندگان در ماه آگوست، گروه کر و ارکستر مونته‌وردی تصمیم به قطع همکاری با بنیان‌گذار خود گرفت. هیئت‌مدیره گروه کر و ارکستر مونته‌وردی اعلام کرد که سِر جان الیوت گاردینر، رهبر ارکستر و بنیان‌گذار گروه کر مونته‌وردی، به این سازمان باز نخواهد گشت. گاردینر پس از حمله به خواننده باس، ویل توماس، پس از اجرای اپرای Troyens at the Berlioz واقع درجشنواره برلیوز در La Côte-Saint-André فرانسه در ماه آگوست گذشته، از فعالیت در دنیای موسیقی کناره‌گیری کرد. او در اوایل سال جاری در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حادثه ماه آگوست چیزی است که مسئولیت کامل آن را پذیرفته‌ام و عمیقا از آن پشیمانم». در طول سال گذشته، گروه کر و ارکستر مونته‌وردی امکان فرایند توانبخشی را در نظر گرفت که براساس سیاست‌های حرفه‌ای این گروه اجرا می‌شود. این گروه در بیانیه‌ای در ماه فوریه گفت: «هدف مشترک ما این است که [گاردینر] بتواند در اواخر سال به رهبری گروه کر و ارکستر مونته‌وردی بازگردد». همچنین این گروه گفت که جایزه اخیر بهترین گروه کر در جوایز اپرای ۲۰۲۴ «ادای احترامی شایسته یک عمر کار حرفه‌ای جان الیوت» است. این سازمان در یک بیانیه مطبوعاتی به «تأثیر موسیقیایی خارق‌العاده» گاردینر اشاره کرد و گفت: «گروه کر و ارکستر مونته‌وردی از مشارکت عظیم او قدردانی می‌کند و تعهد عمیقی به حفظ این دستاوردهای فوق‌العاده دارد. این سازمان مفتخر است که توانسته به همراه بسیاری از نوازندگان دیگر، به کارنامه طولانی و درخشان او کمک کند. گروه کر و ارکستر مونته‌وردی تعهدات خود را در قبال حمایت از قربانیان سوءاستفاده و تعرض جدی می‌گیرد و جلوگیری از تکرار این اتفاقات همچنان از اولویت‌های این سازمان است». این گروه در طول سال جاری با رهبری دنیس سوسا، جاناتان سلز و پیتر ویلان در سطح بین‌المللی به اجرا پرداخته است؛ از جمله اجرای سمفونی‌های بتهوون در لندن و پاریس، موتت‌های باخ در لایپزیگ. گروه کر و ارکستر مونته‌وردی اعلام کرده است که در پایان تابستان رهبران جدیدی را برای هدایت فصل جدید پروژه‌ها معرفی خواهد کرد.

## کیانو ریوز با «درانتظار گودو» در برادوی

**مهر:** کیانو ریوز و الکس وینتر برای نمایش «در انتظار گودو» ساموئل بکت در برادوی با هم همراه می‌شوند. در این نمایش که به کارگردانی جیمی لوید ساخته می‌شود، ریوز نقش استراگون و وینتر نقش ولادیمیر را بازی خواهند کرد. بازیگران «بیل و تد» در بیانیه‌ای مشترک گفتند: ما بسیار هیجان‌زده هستیم که با هم روی صحنه می‌رویم و با جیمی لوید بزرگ در یکی از نمایش‌های موردعلاقه‌مان کار می‌کنیم. ریوز و وینتر سال ۱۹۸۹ با فیلم کمدی علمی-تخیلی «ماجراجویی بسیار عالی بیل و تد» همکاری خود را آغاز کردند. آنها این ماجراجویی را با «سفر وحشیانه بیل و تد» در سال ۱۹۹۱ دنبال کردند و تقریبا سه دهه بعد یک بار دیگر در سال ۲۰۲۰ در فیلم «بیل و تد: رویارویی با موسیقی» با هم همراه شدند. ریوز که با این نمایش برای نخستین بار در برادوی روی صحنه می‌رود، یکی از ثابت‌ترین ستاره‌های سینمای هالیوود است که با مجموعه‌های «جان ویک» و فیلم‌های «ماتریکس» درخشیده است. از دیگر فیلم‌های او می‌توان به «کنستانتین»، «آیداهوی اختصاصی خودم»، «روابط خطرناک»، «هدیه»، «بودای کوچک»، «یکی باید کوتاه بیاید» و «۴۷ رونین» اشاره کرد. وینتر که بازیگر، نویسنده و کارگردان است، به‌تازگی تولید فیلم «بزرگسالی» را به پایان رسانده و در آن در کنار جاش گاد و کایا اسکودلاریو، نقش اصلی را ایفا کرده است. او فیلم‌های مستندی از جمله «اثر یوتیوب»، «زاپا»، «بچه‌های شوبیز» و «اسناد پانامـا» را کارگردانی کرده و در برادوی هم روی صحنه رفته که ایفای نقش جان دارلینگ در «پیتر پن» محصول سال ۱۹۷۹ و لوییس لئونوز در «پادشاه و من» از جمله آنهاست. از آثار لوید به عنوان کارگردان نمایشی که بارها جایزه برده می‌توان به «رومئو و ژولیت»، «سانست بلوار»، «تأثیر»، «خانه عروسک»، «مرغ دریایی»، «سیرانو دو برژرک»، «خیانت» و... اشاره کرد.